

ضرورت گذار از تکنولوژی آموزشی به تکنولوژی یادگیری

اشاره

در شماره قبل به اختصار توضیح دادیم که به دلیل تغییرات سریع دانش در عصر حاضر، آموختن در سال‌های نخستین زندگی و مصرف چنین آموخته‌هایی در طول عمر فرد میسر نیست؛ زیرا کمیت و کیفیت دانش با سرعتی بیشتر از عمر ما کهنه و فرسوده می‌شود و ما هر آن به دانش جدید و متناسب با شرایط روز نیاز داریم. اینک به دنباله مطلب توجه کنید که نیاز به چنین تغییری را از ابعاد دیگر مورد بحث قرار داده است.

کلید واژه‌ها:

یادگیری
خودگسترش،
یادگیری
خودگردان^۲

حدود و ثغور آموختنی‌های فرد براساس نیازهای کاری‌اش مشخص می‌شود. همچنین، در یادگیری‌های خودگردان و دائمی، حتماً نیاز نیست که شخص در زمانی خاص به مکانی معین (مثل مدرسه یا دانشگاه) برود و موضوعی را یاد بگیرد. در حالی که در محیط مدرسه، یا محیط آموزشی که در آن درسی ارائه می‌شود، معلم تنها یادهنده اصلی است. در این شرایط، هر چه را که او می‌خواهد یاد می‌دهد، نه آنچه را که یادگیرنده در پی آن است (Mahoney, 2001).

در هر صورت می‌توان گفت که در «فرایند آموزش» یک موضوع نیز، نوعی یادگیری صورت می‌گیرد. در حالی که در «فرایند یادگیری» خودگردان، در شرایط همراه بودن با اطلاعات و یادگیری برای رفع

به‌جای استفاده از تکنولوژی آموزشی، به سمت بهره‌گیری از تکنولوژی یادگیری پیش برویم. برای روشن شدن بیشتر مطلب، بهتر است نخست به تمایزات اصلی و شاخص میان «یادگیری» از طریق «آموزش» دیدن و «یادگیری» از نوع «خودجوش» و «خودگردان» بپردازیم.

یکی از تمایزات اصلی در نوع یادگیری‌ها این است که در یادگیری از نوع آموزش دیدن، هرگونه فراگیری تنها در شرایط رسمی و با امکاناتی خاص فراهم می‌شود، اما در یادگیری‌های خودگردان، فرد می‌تواند از منابع دلخواه و مختلف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت یاد بگیرد. در یادگیری خودگردان،

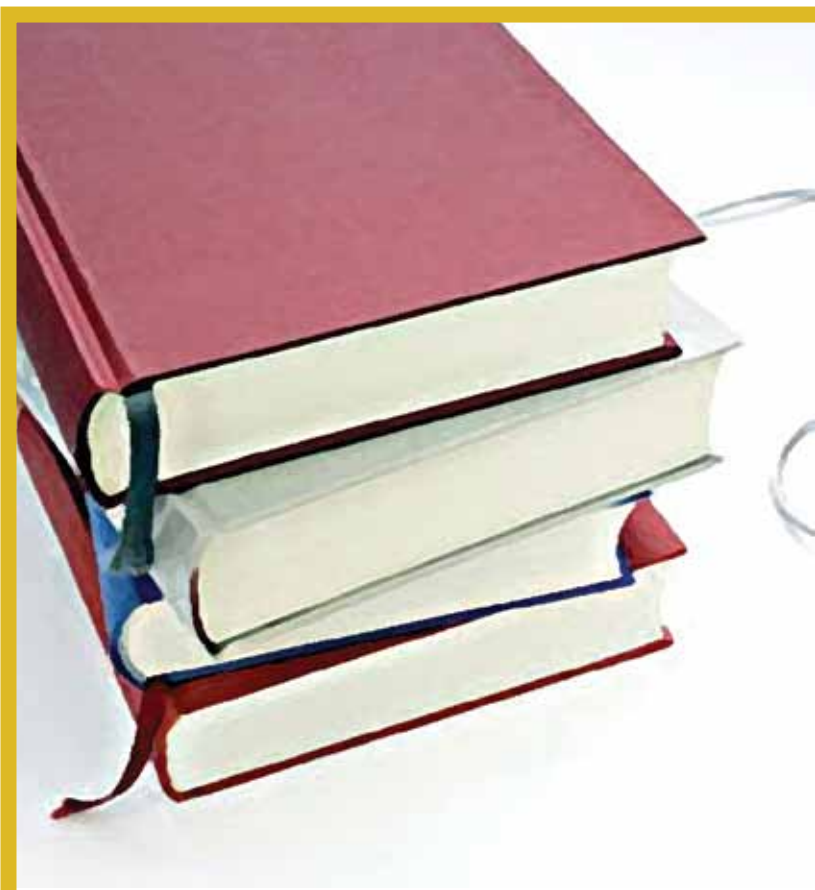
سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است: ضرورت اینکه جامعه باید از تکنولوژی آموزشی به سوی تکنولوژی یادگیری پیش برود، چیست؟ پاسخ این سؤال برمی‌گردد به همان دیدگاه‌های اریک فروم در مورد مفهوم آموزش و مفهوم یادگیری. از دیدگاه وی، آموزش هر موضوعی، در نهایت، محصولی را برای داشتن اطلاع به دست می‌دهد. اما یادگیری‌های ضروری، و مبتنی بر نیازهای کاری و زندگی روزمره، حاصل همراه بودن با دانش است. با توجه به همین مفاهیم آموزشی و یادگیری، ضرورت پیش آمده در قرن حاضر ایجاب می‌کند که برای شتاب دادن به سرعت یادگیری‌های مفید، مؤثر و درخور،

در فرایند یادگیری خودگردان، در شرایط همراه بودن با اطلاعات و یادگیری برای رفع نیازها و مشکلات فردی، یادگیری موضوعات در کنترل و اختیار یادگیرنده است و به تناسب سرعت و توان یادگیری او صورت می‌گیرد

بالا ببرند. چنین نوعی از یادگیری در حین کار و معیشت بیشتر مطرح می‌شود. ولی در نظام آموزشی، کار و مشغله معمولاً بعد از یک دوره آموزشی پیش می‌آید و در این شرایط کاری، ممکن است اصول و مبانی آموخته شده به‌طور کلی یا جزئی با نیازهای عملی در کار بی‌ربط باشند یا نسبت به نیازهای جاری کهنه جلوه کنند.

در وضعیت کاربری اطلاعات آموخته شده، شرایط طوری پیش می‌رود که اطلاعات فراگرفته شده دیگر قابل استفاده نیستند. در حالی که در یادگیری‌های تدریجی و مادام‌العمر، یادگیری باید در خلال انجام کارهای عملی صورت پذیرد. بنابراین، یادگیری هر موضوعی با توجه به نیازهای پیش آمده فردی و موضعی صورت می‌گیرد. نتیجه یادگیری‌ها در این صورت، در عمل به کار و شرایط و نیازهای پیش آمده برای اطلاعات لازم بر می‌گردد. در گرفتن همین موضع برای اولویت‌های یادگیری است که معنی آموخته‌های هر کس با دیگری متفاوت است و انتخاب‌های بیشتری را سر راه قرار می‌دهد؛ انتخاب‌هایی که ضمن تدریجی کردن یادگیری‌های لحظه‌ای، بیشتر و بهتر به نیازهای زندگی مربوط می‌شوند و محصولی پرنرنگ‌تر ارائه می‌دهند و زندگی را در رابطه با آموخته‌های فرد معنادار می‌سازند.

در هر نظام آموزشی، فرد باید مطالب از قبل تعیین شده‌ای را بیاموزد. در حالی که حاصل یادگیری خودگردان و پویا، از زندگی روزمره ریشه می‌گیرد و برای بهبود آن پیش می‌رود. در هر نظام آموزشی، برای آموختن مطالب، از منابع محدودی



در دنیای امروزی که کشورها به سوی خصوصی‌سازی پیش می‌روند و نفوذ دولت در شرکت‌ها رفته‌رفته کم می‌شود، فراگیری توسط افراد و راهبرد آن توسط شرکت‌ها و خود کارکنان، با توجه به نیازهایشان، مشخص می‌شود. در حالی که در یادگیری‌های ناشی از آموزش، موضوعات و میزان یادگیری با توجه به اقتضای نظام آموزشی خاص، تعیین می‌شود.

از همه مهم‌تر، آنچه در نظام‌های آموزشی کنونی به فراگیری در می‌آید، ممکن است مورد نیاز جامعه یا مربوط به شرایط روز نباشد. دنیای پر رقابت امروزی، با توجه به رشد سریع علم، نیازمند شرایطی است که افراد به‌طور دائمی دانش تخصصی و موردی‌شان را

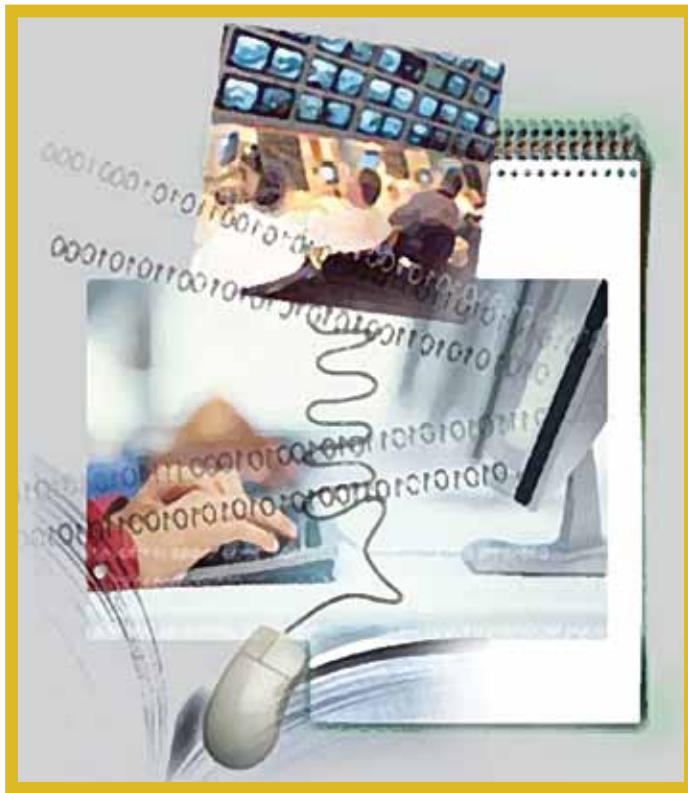
نیازها و مشکلات فردی، یادگیری موضوعات در کنترل و اختیار یادگیرنده است و به تناسب سرعت و توان یادگیری او صورت می‌گیرد. با توجه به نیازهای ضروری و متنوع امروزی، لازم است که شخص بتواند متناسب با نیازهایش، آنچه را می‌خواهد یاد بگیرد و در زندگی خود از آن بهره‌برد و محصول یادگیری خود را برای معیشت خویش به کار بندد.

این در حالی است که در یادگیری‌های حاصل از آموزش، زمان و سرعت تدریس را معلم و نظام آموزشی، با انتقال دادن دانش به فراگیرنده، بر اساس طرح درس و محتوایی از قبل برنامه‌ریزی شده تعیین می‌کنند. در یادگیری‌های غیررسمی و آزاد چنین روندی میسر نیست. از لحاظ کاربری،

دانش، می‌توان میل به یادگیری را به نوعی در فرد درونی ساخت که خود بر اساس نیاز و علاقه خویش مشتاقانه برای پاسخگویی به شرایط و مشکلات جامعه خود بکوشد (Fromm, 1978).

طبیعتاً این نوع یادگیری از اختیار فردی دیگر خارج می‌شود. هرکس می‌کوشد با به‌کارگیری خلاقیت‌های فردی، خود را با شرایط پویای دنیای فعلی تطبیق دهد و نیازمندی‌های کاری خود را در عمل مرتفع سازد. البته در این حالت، وجود نظام‌های مناسب برای دستیابی به این مهم نیز، امری اساسی به‌شمار می‌رود. نظام‌های دیوان‌سالارانه که برای پاسخگویی به نیازهای فعلی انعطاف لازم را ندارند، نمی‌توانند خود را با شرایط جدید محیط‌های یادگیری به روز تطبیق دهند.

تنها زمانی می‌توان به توسعه و پیشرفت پویا و پیوسته دست‌یافت که به‌جای نظام‌های آموزشی نظام‌های یادگیری را در سازمان‌های کاری - تخصصی، به‌طور دائمی و در شرایط موجود، در محیط‌های فراهم آمده به‌منظور یادگیری کاربران و مراجعان نیازمند به اطلاعات در خور، مستقر ساخت. در چنین محیط‌هایی خواهد بود که یادگیری خودگسترانه به کمک تکنولوژی یادگیری، و نه از نوع تکنولوژی آموزشی، به هویت‌دهی افراد در کاربردهای عملی و روزمره زندگی و کار، معنایی تازه خواهد بخشید.



«منبع محور» و دائمی، فرد می‌تواند از هر منبعی که در خور نیازهای اوست، استفاده کند. در این نوع یادگیری‌ها، نیازی به واسطه نیست. در حالی‌که در یادگیری حاصل از فرایند آموزش، برای آموزش هر موضوع حتماً به‌وجود معلم نیاز است؛ معلمی که به عنوان یک واسطه یادگیری، تنها می‌تواند اطلاعات محدود، از پیش تعیین شده و معینی را به فراگیرندگان خود انتقال دهد. این در شرایطی است که حتی صرفاً با تکیه بر یک تعداد مفاهیم معین، نمی‌توان با نیازهای در حال تغییر دنیای حاضر مواجه شد. بر اساس دیدگاه همراه بودن با

استفاده می‌شود و وسعت یادگیری نیز به همان منابع محدود است. اگر هم محدودیت آن را در مقایسه با کاربرد آن در نظر بگیریم، مسلماً در کاربرد آموخته‌ها محدودیت به‌وجود می‌آید. امروزه افراد به‌خاطر داشتن مشغله‌های زیاد و کمبود وقت نمی‌توانند به جاهایی خاص از جمله مدرسه و دانشگاه، برای رفع نیازهای یادگیری خود رجوع کنند و موضوع مورد نیاز خود را یاد بگیرند (اسکات، ۱۳۸۳).

از آن گذشته، مطالب ارائه شده در نظام‌های آموزشی مدرسه و دانشگاه از قبل تعیین شده و مشخص‌اند. در حالی‌که در یادگیری

یادگیری خودگسترانه به کمک تکنولوژی یادگیری، و نه از نوع تکنولوژی آموزشی، به هویت‌دهی افراد در کاربردهای عملی و روزمره زندگی و کار، معنایی تازه خواهد بخشید

پی‌نوشت

1. Self Development
2. Self Regulation

۱. اسکات، آ. (۱۳۸۳). مراکز یادگیری: راهنمای گام به گام برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزشیابی یک مرکز مواد و منابع سازمانی. ترجمه محمد رضا افضل‌نیا. انتشارات تزکیه. تهران.

2. Fromm, E. (1978). To have and to be. London: Abacus.

3. Mahoney, J. (2001). What is informal education? in L.D. Richardson & M. Wolfe. (eds). Principles and Practice of Informal education, pp. 4-16 London & N.Y : Routledge.